

تبیین عوامل تأثیرگذار بر ایجاد آتش‌بس در قره‌باغ (نوامبر ۲۰۲۰)

محسن بیوک^۱ - استادیار دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیای ارتش، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

چکیده

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پیامدهای بسیاری در سطوح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به دنبال داشت. به طوری که در سطح منطقه‌ای با برآمدن ۱۵ کشور مستقل بزرگ و کوچک قلمرو سابق شوروی در حوزه‌های اروپایی و آسیایی، از یک سو باعث شکل‌گیری سیستم‌های منطقه‌ای به‌ویژه در قلمرو آسیایی آن، یعنی قفقاز و آسیای میانه شد و از سوی دیگر خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی و فقدان یک قدرت مسلط منطقه‌ای، منطقه را وارد بحران‌های ژئوپلیتیکی کرد. در چنین شرایطی یکی از قدیمی‌ترین بحران‌های سرزمین‌های قفقاز جنوبی بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ پدید آمد. درگیری‌های پراکنده به جنگی تمام‌عیار میان این دو کشور تبدیل شد که بر اثر آن، علاوه بر قره‌باغ، هفت منطقه دیگر جمهوری آذربایجان در خارج از قره‌باغ نیز به تصرف ارمنستان درآمد و در مجموع بیست درصد از خاک جمهوری آذربایجان اشغال شد. از زمان شروع درگیری‌ها، مذاکرات چندباره‌ای برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ با ابتکار سازمان ملل و میانجی‌گری برخی از کشورهای منطقه به آتش‌بس میان این دو کشور منجر شد ولی بارها نقض گردید تا اینکه در تاریخ ۱۰ نوامبر، طرف‌های درگیر، توافق‌نامه آتش‌بس را پذیرفتند. سؤال اصلی مقاله این است که چه عواملی سبب شده که کشورهای آذربایجان و ارمنستان آتش‌بس را پذیرفته و بر اجرای آن توافق کنند؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده و هدف آن است که با بهره‌برداری از نظریه تصمیم‌گیری (مدل رضایت‌بخش)، عوامل تأثیرگذار بر توافق آتش‌بس در قره‌باغ را تبیین کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تغییر جغرافیای درگیری و تاکتیک نظامی، خطای محاسباتی ارمنستان، نبود توازن ژئوپلیتیکی و مداخله روسیه سبب شده تا در قره‌باغ آتش‌بس ایجاد شود.

واژگان کلیدی: قفقاز جنوبی، قره‌باغ، ارمنستان، آذربایجان، آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰

مقدمه

قره‌باغ منطقه‌ای درون‌گان در جمهوری آذربایجان با مساحت ۴۳۸۸ کیلومترمربع است که تنها از طریق دالان لاجین با ارمنستان ارتباط دارد. این منطقه در زمان اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری خودمختار در داخل جمهوری سوسیالیستی آذربایجان بود تا اینکه پس از ایجاد فضای باز سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی، شورای عالی قره‌باغ در سال ۱۹۸۸ در تصمیمی بدون حضور اعضای آذری، خواهان الحاق این منطقه به ارمنستان شد که این موضوع بلافاصله مورد پذیرش شورای عالی وقت ارمنستان قرار گرفت. همین رویداد منجر به بروز درگیری‌های پراکنده میان آذری‌ها و ارمنه در ارمنستان و جمهوری آذربایجان و مداخله مسکو شد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این درگیری‌های پراکنده به جنگی تمام‌عیار میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان تبدیل شد که بر اثر آن علاوه بر قره‌باغ، هفت شهرستان دیگر جمهوری آذربایجان در خارج از قره‌باغ نیز به تصرف ارمنستان درآمد و در مجموع بیست درصد از خاک جمهوری آذربایجان اشغال شد. در نتیجه این مناقشه، حدود ۳۵ هزار آذری کشته و حدود یک میلیون نفر نیز آواره شدند (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۱۱). جمهوری آذربایجان با تمسک به اصل تمامیت ارضی کشورها و خدشه‌ناپذیر بودن مرزهای بین‌المللی، بر تعلق قره‌باغ به این کشور تأکید دارد و برای اعطای بالاترین سطح خودمختاری به این منطقه اعلام آمادگی کرده است؛ اما ارمنستان و جدایی‌طلبان ارمنی قره‌باغ با رد مواضع جمهوری آذربایجان و با تأکید بر اینکه هشتاد درصد ساکنان قره‌باغ را ارمنه تشکیل می‌دهند، معتقد هستند بر اساس اصل حق تعیین سرنوشت، این منطقه باید مستقل شود (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۷).

در فاصله آوریل تا نوامبر سال ۱۹۹۳، شورای امنیت سازمان ملل، چهار قطعنامه درباره مناقشه قره‌باغ صادر و خواهان توقف فوری درگیری‌ها شد. در طول ۲۸ سال گذشته مذاکرات حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ با ابتکار سازمان ملل و میانجی‌گری برخی از کشورهای منطقه میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، آتش‌بس برقرار شد که با درگیری‌های چندروزه بارها نقض گردید. شدیدترین و خونین‌ترین درگیری‌ها از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ (ششم مهرماه ۱۳۹۹) آغاز و به مدت ۴۴ روز ادامه داشت. با تشدید درگیری‌ها و فراوانی تلفات و خسارات، دو کشور آذربایجان و ارمنستان به دلایلی تصمیم گرفتند با توافق سه‌جانبه (آذربایجان، روسیه و ارمنستان) جنگ را متوقف و در تاریخ ۱۰ نوامبر آتش‌بس را اعلام کنند. سؤال اصلی مقاله این است چه عواملی سبب شده که کشورهای آذربایجان و ارمنستان آتش‌بس را پذیرفته و بر اجرای آن توافق کنند؟ چرا این توافق پس از نزدیک به یک ماه و نیم جنگ خونین به امضاء رسید؟ هدف مقاله این است که با بهره‌برداری از نظریه تصمیم‌گیری^۲ (مدل رضایت‌بخش)، عوامل تأثیرگذار بر توافق آتش‌بس در قره‌باغ را تبیین کند. فرضیات مقاله این است که تغییر جغرافیای درگیری و تاکتیک نظامی، خطای محاسباتی ارمنستان، نبود توازن ژئوپلیتیکی و مداخله روسیه سبب شده تا در قره‌باغ آتش‌بس ایجاد شود. هر کشوری برای تأمین امنیت و منافع ملی خود نیازمند آگاهی کامل از محیط پیرامونی است. توافق آتش‌بس آذربایجان - ارمنستان که با میانجی‌گری روسیه به امضاء رسید، تحول جدیدی است که با توجه به هم‌جواری ایران با دو کشور مذکور، قطعاً به‌طور مستقیم منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را متأثر می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران نیز برای ارتقای نقش منطقه‌ای و شناخت فرایند روابط با کشورهای منطقه و تحقق منافع ژئوپلیتیکی خود نیازمند داشتن آگاهی کامل از تمامی ابعاد تحرکات کشورهای منطقه و بازیگران فرا منطقه‌ای است؛ بنابراین تبیین عوامل تأثیرگذار بر ایجاد آتش‌بس در قره‌باغ مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

1 . Lachin

2 . Decision theory

مبانی نظری

نظریه تصمیم‌گیری و مدل رضایت‌بخش

برخی از متفکران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تصمیم‌گیری را نخستین گام برای شناخت پیچیدگی‌های کنش در نظام بین‌الملل می‌دانند. رویکرد تصمیم‌گیری برای درک سیاست بین‌الملل، رویکرد تازه‌ای نیست. بیست و چهار قرن قبل، توسیدید^۱ مورخ یونانی در کتاب خود «جنگ پلوپونز»^۲ عواملی را مورد بررسی قرار داد که رهبران دولت - شهرها را به تصمیم‌گیری درباره مسائل جنگ، صلح و تشکیل اتحاد و امپراتوری رهنمون می‌ساخت. وی نه تنها به دلایل آگاهانه به انتخاب‌های دولتمردان و دریافت آن‌ها از محیط سیستمی توجه داشت؛ بلکه نیروهای روانی عمیق‌تر همچون ترس، منفعت و افتخار جویی را مدنظر داشت که با ترکیبات مختلف، این دولتمردان را در مقام فرد به حرکت وامی‌داشت و ذائقه حاکم بر جامعه آن‌ها را نیز تعیین می‌کرد. به همین دلیل، توسیدید، از نخستین بررسی‌کنندگان تصمیم‌گیری بوده است (دوئرتی و فالترزگراف، ۱۳۸۸: ۷۲۰). به کارگیری تصمیم‌گیری در نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. کارهای آغازین در این زمینه توسط افرادی همچون ساپین^۳، بروک^۴، هربرت سایمون^۵ و ریچارد اسنایدر^۶ پی‌ریزی شد. بعدها نیز افرادی مانند ژوزف فرانکل^۷ و گراهام تی آلیسون^۸ به حلقه آن‌ها پیوستند. تقسیم‌بندی‌های مختلف و متفاوتی از نظریه تصمیم‌گیری انجام گرفته است و مدل‌های مختلفی از این نظریه ارائه شده است. در این پژوهش دسته‌بندی چهارگانه از مدل‌های تصمیم‌گیری بیان می‌شود:

۱- مدل عقلایی (تصمیم‌گیری خردگرایانه: نظریه اسنایدر و همکاران): تصمیم‌گیری خردگرایانه، نماینده الگوی کلاسیک تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل است. این نظریه‌پردازان معتقدند عمل و عکس‌العمل در روابط بین‌الملل، ناشی از امور محاسبه‌شده به‌وسیله دولت‌های مختلف است و نه اموری تصادفی. به نظر اسنایدر و همکاران او، دولت ملی، بازیگری است که مایل است با نقش بازیگری منزلت خود را مرتباً از وضعیت مطلوب به مطلوب‌ترین وضعیت، ارتقاء بخشد (سیف زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۶). نکته جوهری گزینه عقلایی این است که کنشگران یا تصمیم‌گیران، درصددند منافعتشان را با وجود موانع و محدودیت‌ها حداکثری کنند (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۵۵). این الگو بر اساس این اصل به وجود آمده که انسان به‌عنوان یک موجود اقتصادی و برخوردار از تعقل کامل، در محیطی که برای وی کاملاً مشخص و معلوم است به «مطلوب‌ترین انتخاب‌ها» دست می‌زند. مطلوب‌ترین انتخاب از دیدگاه چنین فردی، مترادف با توفیق در دستیابی کامل به هدف سازمان و یا نیل به بیشترین نتیجه (مطلوب) مورد نظر است.

۲- مدل دوگانه آلیسون: بر سیاق فکری هربرت سایمون، گراهام آلیسون نیز با ارائه دو مدل «روند سازمانی» و «سیاست دیوانسالاری»، عقلانیت مطلق گرایانه اسنایدر را تعدیل می‌کند. مدل روند سازمانی در تصمیم‌گیری آلیسون، مبتنی بر این مفروضه است که حکومت یک کشور، مجموعه‌ای یکپارچه نیست؛ برعکس، حکومت، متشکل از هرمی از سازمان‌های مختلف تصمیم‌گیری است. آلیسون علاوه بر جبریت‌های ناشی از ساخت سازمان اداری تصمیم‌گیری، بازی قدرت بین افراد تصمیم‌گیرنده را نیز در شکل‌گیری نهایی تصمیم، مؤثر می‌داند. بدین لحاظ، آلیسون، مدل سیاست دیوانسالاری را مطرح می‌کند. در تشریح این مدل، آلیسون ادعا می‌کند که پیامد بازی‌های سیاسی بر آینده مذاکره میان افراد تصمیم‌گیرنده چنان

- 1 . Thucydides
- 2 . Peloponesian War
- 3 . Sapin
- 4 . Bruck
- 5 . Herbert simon
- 6 . Richard Snyder
- 7 . Josef frankel
- 8 . Graham Allison

است که هر کدام از انسان‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی، خواهان دستیابی به هدفی خاص و یا تعبیری خاص از منافع ملی هستند. از این رو، آلیسون، نتیجه می‌گیرد که تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی، نتیجه فراگردهای سیاسی مذاکره و بازی قدرت موجود در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده به حساب می‌آید (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۳۴۰-۳۳۹).

۳- مدل فزاینده^۱ (افزایشی) این مدل را چارلز لیندبلوم^۲ به شکل صریح و منظم مطرح کرده است که به آن مدل تصمیم‌گیری رویشی یا تدریجی نیز گفته می‌شود. چارلز لیندبلوم، مدل تصمیم‌گیری رویشی را به خاطر نواقص موجود در مدل عقلایی تصمیم‌گیری، پیشنهاد می‌کند. لیندبلوم نیز همانند سایمون، معتقد است که عقلانیت یعنی ظرفیت و قوه ذهنی و فکری انسان، حدود مشخص و محدودی دارد. به علاوه، گذشته از اینکه اطلاعاتی که مدیر بر اساس آن تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند؛ غالباً ناقص و جزئی از کل اطلاعاتی است که باید در اختیار داشته باشد. اغلب، حتی وقت کافی برای تجزیه و تحلیل دقیق و پردازش کامل همین اطلاعات محدود نیز وجود ندارد؛ بنابراین لیندبلوم نیز به این نتیجه می‌رسد که در اثر وجود این دو عامل یعنی عقلانیت و اطلاعات محدود، انسان نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های خود عمیق باشد و نمی‌تواند تصمیماتی جامع و کافی بگیرد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۴۷-۳۴۶). بنابراین، برای رفع چنین مشکلی، لیندبلوم، نسخه تصمیم‌گیری تدریجی را پیشنهاد می‌کند؛ یعنی در هر مرحله باید تصمیمی گرفت که اگرچه تصمیم کامل و جامعی نیست؛ بلکه در شرایط کنونی می‌تواند پاسخگوی مسئله پیش‌آمده باشد و در یک استمرار زمانی و بررسی شرایط، به تدریج می‌توان انتظار دستیابی به تصمیم جامع را داشت. بر این اساس، نمی‌توان درباره مسئله‌ای یک‌بار و برای همیشه تصمیم‌گیری کرد؛ بلکه به روش تدریجی در هر محل، تصمیمی که سودمند تشخیص داده شده است، گرفته می‌شود و در یک فرآیند تکاملی و مقایسه‌ای، تصمیمات بعدی گرفته می‌شود (عباس پور، ۱۳۸۲: ۳۸).

۴- مدل رضایت‌بخش (خردگرایی محصور): هربرت سایمون، مطلق‌گرایی نظریه اسنایدر و همکاران که مبنی بر عقلانیت مطلق تصمیم‌گیری سیاست خارجی است را کافی نمی‌داند (سیف زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۹) به باور وی، باید تصمیم‌گیری مکفی و بسنده جو را به جای تصمیم‌گیری بهینه‌ساز نشانند. مبنای این تمایز از چگونگی دخالت یا عدم دخالت عوامل فردی و گروهی در تصمیم‌گیری ملی ناشی می‌شود. تصمیم‌گیری بهینه‌ساز در صورتی ممکن است که عوامل مزبور در تصمیم‌گیری دخالت نداشته باشند، برعکس، چنانچه عوامل فردی و گروهی بر شیوه تصمیم‌گیری تأثیر گذارد، با سیاست بسنده جو روبه‌رو خواهیم بود (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۳۱۵). هربرت سایمون با تلفیق اجزایی از دو کلمه اقناع^۳ و کفایت^۴ تصمیم‌گیری بسنده را مطرح کرد. با ارائه تمثیلی از رفتار موش در دیدن مقداری پنیر، او ادعا کرد که انسان‌ها نیز با رسیدن به اولین پاسخ مکفی، قانع شده و از اقدام برای رسیدن به نتیجه بهینه و بی‌عیب سرباز می‌زنند. به نظر او فقط خوش‌خیالان به دنبال عقل مطلق و یا حتی عقل بهینه هستند.

پس اصل بسندگی باید اصل راهنمای سیاست خارجی باشد (سیف زاده، ۱۳۹۰: ۳۶۳) مدل تصمیم‌گیری رضایت‌بخش، کوششی در جهت واقع‌بینانه کردن تصمیم‌گیری و پرهیز از ایده‌آل‌گرایی غیرعملی فرایند عقلایی تصمیم‌گیری است. واقع‌نگری این مدل در توجه به جنبه‌های مختلف تصمیم‌گیری، آن را به صورت ابزار مفیدی برای تجزیه و تحلیل و انتخاب درآورده است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۴۴) محدودیت منابع، زمان، اطلاعات و بینش تصمیم‌گیرنده در تصمیم‌گیری، در اغلب موارد راه دیگری جز مدل رضایت‌بخش برای تصمیم‌گیری باقی نمی‌گذارد. در این مدل، مبنای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، واقعیت‌های موجود است. بدین معنا که زمان ارزیابی دقیق امکانات، واحد سیاسی از برنامه‌ریزی آرمانی برای تحقق

- 1 . Incremental Model
- 2 . Charls E.Lindblom
- 3 . Satisfy
- 4 . Suffice

اهداف و تأمین منافع ملی، دوری کرده و استراتژی‌های خود را با توجه به اوضاع محیط داخلی و بین‌المللی تنظیم می‌کند. تصمیم‌های گرفته‌شده، ممکن است از نظر گروهی از تصمیم‌گیرندگان، رضایت‌بخش و از نظر گروهی دیگر غیر رضایت‌بخش باشد. در هر صورت برای آن که داده‌های سیاست خارجی پاسخگوی نیازهای نظام باشد، باید نوعی توافق و سازش، میان نظرهای متعارض شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری به وجود آید (قوام، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۳).

در جنگ اخیر، نتیجه آرمانی برای کشور آذربایجان بازپس‌گیری تمامی سرزمین‌های اشغالی بود. تداوم اشغال سرزمین‌های آذربایجان و حفظ قره‌باغ نیز وجه آرمانی و ایده آل ارمنستان بود؛ اما محدودیت منابع، زمان، ارزیابی دقیق امکانات و سایر متغیرهای خارجی و داخلی، سبب شده که این دو کشور، بر اساس مؤلفه‌های مدل رضایت‌بخش، فعلاً به آتش‌بس رضایت داده و بر اجرای مفاد آن توافق نمایند.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع نظری است. روش‌شناسی حاکم بر پژوهش، ماهیت توصیفی-تحلیلی و رویکرد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دارد. فنون گردآوری و تحلیل اطلاعات با توجه به نوع تحقیق، بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با بهره‌جستن از آثار معتبر و مهم داخلی و خارجی مکتوب (اعم از کتاب، مقاله، گزارش و...) و الکترونیک (سایت‌های اینترنتی و مقالات الکترونیک) انجام شده است. این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی مبانی نظری تصمیم‌گیری، عوامل تأثیرگذار بر ایجاد آتش‌بس در قره‌باغ (نوامبر ۲۰۲۰) را تبیین کند.

بحث و یافته‌ها

آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰ در قره‌باغ

از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ حدود ۲۰ درصد از سرزمین آذربایجان، از جمله دالان استراتژیک لاجین (ناحیه حائل بین قلمرو ارمنستان و جمهوری آذربایجان و پیونددهنده قلمرو قره‌باغ با ارمنستان)، فضولی^۱، جبرائیلی^۲، زنگیلان^۳ و کلبجر^۴ از خاک اصلی آذربایجان جدا و با تخلیه ساکنین اصلی آن، مناطق مذکور به تصرف جدایی‌طلبان قره‌باغ (ارامنه) درآمد (ذکی و پاشالو، ۱۳۹۶: ۱۳۴) مهم‌تر اینکه، بر اثر این جنگ، ارتباط زمینی و ریلی جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان که در زمان شوروی سابق به دلیل یکپارچگی سرزمینی برقرار شده بود، قطع شد.

جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان به‌غیر از دوران ابتدایی آن که از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ به مدت شش سال بود، همواره بین سه تا پنج روز به درازا کشیده می‌شد و بیشتر تنش‌ها، مرزی بود. از آن‌پس برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ در طول ۲۸ سال گذشته، مذاکرات و میانجیگری‌های متعددی توسط سازمان ملل و کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای انجام شد که نتیجه رضایت‌بخشی برای طرفین درگیر نداشت؛ اما درگیری‌های اخیر میان دو کشور از ۲۷ سپتامبر به مدت ۴۴ روز ادامه داشت که پس از وارد شدن تلفات و خسارات گسترده با توافق سه‌جانبه روسای جمهوری آذربایجان، روسیه و نخست‌وزیر ارمنستان در تاریخ ۱۰ نوامبر آتش‌بس برقرار شد. آذربایجان توانست ۷۰ درصد مناطق اشغالی را در طول جنگ پس بگیرد و ۳۰ درصد مناطق دیگر را بر اساس مفاد توافق در اختیار خود قرار دهد.

1 . fuzuli
2 . jabrayil
3 . zangilan
4 . kalbajar



شکل شماره ۱. وضعیت قره‌باغ و نواحی اشغالی تا قبل از حمله آذربایجان (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰)
منبع: (<https://www.polgeonow.com>)



شکل شماره ۲. وضعیت قره‌باغ و نواحی اشغالی، بعد از حمله آذربایجان (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰)
منبع: (<https://www.polgeonow.com>)

بر اساس این توافق، ارمنستان متعهد شد در تاریخ ۱۵ نوامبر (۲۵ آبان ماه) شهرستان کلبرج، ۲۰ نوامبر (۳۰ آبان ماه) شهرستان آق‌دام و اول دسامبر (۱۱ آذر) شهرستان لاجین را به جمهوری آذربایجان پس دهد. با توافق طرفین، در سه سال آینده برنامه ساخت مسیر جدید در امتداد لاجین اجرا می‌شود که موجب ارتباط بین قره‌باغ و ارمنستان می‌گردد و نیروهای حافظ صلح روسیه برای محافظت از این مسیر مستقر خواهند شد.

در خط مقدم جبهه، در منطقه قره‌باغ کوهستانی و در امتداد جاده لاجین در قره‌باغ، نیروهای حافظ صلح روسیه به تعداد یک هزار و ۹۶۰ نظامی، ۹۰ ماشین زره‌پوش و ۳۸۰ خودروی نظامی مستقر می‌شوند. کریدور لاجین ۵ کیلومتر است که دسترسی قره‌باغ به ارمنستان را فراهم می‌کند. نیروهای حافظ صلح روسیه فقط در امتداد کریدور لاجین مستقر می‌شوند و با توجه به این که شهرستان لاجین به جمهوری آذربایجان پس داده می‌شود؛ نیروهای این کشور نیز از امکان نظارت بر این کریدور برخوردار خواهند بود و درعین حال، درباره تأمین امنیت آن، تضمین داده‌اند.

نیروهای حافظ صلح روسیه، هم‌زمان با خروج نیروهای ارمنی از قره‌باغ، در این منطقه مستقر خواهند شد و مدت اقامت

آن‌ها در منطقه ۵ سال خواهد بود. ستاد فرماندهی نیروهای حافظ صلح در شهر خانکندی^۱ مستقر می‌شود. آوارگان جنگی تحت کنترل کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان به منطقه قره‌باغ کوهستانی و شهرستان‌های هم‌جوار آن برمی‌گردند و کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه قره‌باغ بلامانع است.

جمهوری ارمنستان، ایمنی ارتباطات حمل‌ونقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به‌منظور سازمان‌دهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و باری را باید فراهم کند. کنترل حمل‌ونقل توسط ارگان سرویس امنیتی فدرال روسیه انجام خواهد شد. با توافق طرفین، زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق آذربایجان پیوند دهد، ساخته خواهد شد و مرکزی برای کنترل و نظارت بر آتش‌بس در قره‌باغ، تأسیس خواهد شد (<https://www.crisisgroup.org>).

عوامل تأثیرگذار بر ایجاد آتش‌بس در قره‌باغ

۱- تغییر جغرافیای درگیری و تاکتیک نظامی

ارتش آذربایجان برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و جبران ضعف خود در تسلط بر مناطق کوهستانی، جغرافیای درگیری و تاکتیک نظامی را تغییر داد و هم از پهپادهای متعدد، جدید و پیشرفته استفاده کرد. این تغییرات موجب بازپس‌گیری مناطق زیادی از سرزمین‌های آذربایجان شد که ۲۷ سال انتظار آن را می‌کشید. دولت ارمنستان نیز پس از عقب‌نشینی‌های پی‌درپی از شهرها و روستاها، چاره‌ای جز پذیرفتن آتش‌بس ندید.

استفاده گسترده از پهپاد:

جنگ‌های پهپادی به ابزار چیره و چه‌بسا سرنوشت‌ساز جنگ‌های امروزی بدل شده‌اند و برای کشورهایی که در جستجوی شکستن بن‌بست‌های دیرینه ژئوپلیتیک هستند، پیدایش هواپیماهای بدون سرنشین مسلح نسبتاً ارزان و باقابلیت خوب، جانشینی وسوسه‌انگیز است. این ابزارها می‌توانند به کشورها در تصرف سریع سرزمینی، سرکوب و مجازات مخالفان کمک کنند.

درگیری‌های اخیر نشان می‌دهد که حتی پهپادهای متوسط نیز می‌توانند پیروزی‌های نظامی و دگرگونی‌های ژئوپلیتیک را رقم بزنند. پهپادهای مسلح به‌عنوان یک عامل توان‌افزا، همراه با سخت‌افزارهای سنتی مانند توپخانه‌ها و موشک‌های دوربرد یا در پشتیبانی از واحدهای زمینی، بسیار کارآمد هستند. پهپادها می‌توانند جایگزینی کشنده‌تر برای نیروی هوایی سنتی باشند. حضور آن‌ها در میدان‌ها جنگ، ارزیابی اهداف آن‌ها در هر سطح تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهد.

رویارویی نظامی بین دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان را می‌توان از نبردهای نسل پنجم دانست، از مشخصه‌های جنگ‌های نسل پنجم، استفاده گسترده فناوری‌های نوین از قبیل پهپادهای پیشرفته، تاکتیک‌های سایبری تهاجمی، سلاح‌های هوشمند و غیرمتعارف است. در جنگ قره‌باغ ثابت شد که سامانه‌های دفاع هوایی پیشرفته روسی همانند S-300 و سامانه کوتاه برد پنتسیر^۲، بسیار آسیب‌پذیرند. در هر مورد، پهپادهای نظامی قادر به گریز از شناسایی و استفاده از شکاف‌های پوششی بودند که در سامانه‌های قدیمی‌تر برای ردیابی هواپیماهای خلبان دار، ساخته‌شده بود (Iyall, 2020).

اسرائیل پس از روسیه، دومین صادرکننده بزرگ اسلحه به آذربایجان است به‌طور مثال ارزش سلاح‌ها و تجهیزات جنگی اسرائیل تا اوایل سال ۲۰۱۹ به آذربایجان، بالغ بر ۵ میلیارد دلار بوده است. بزرگ‌ترین معامله تسلیحاتی که میان دو طرف صورت گرفته، حدود ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار شامل فروش سامانه‌های ماهواره‌ای و پهپادهای پیشرفته هرمس^۳ ۴۵۰۳

1 . Khankendi
2 . pantsir
3 . Hermes

و ۹۰۰، هرون، سرچر، اوربیترا، اروستار و ضدرادار هاروپ بوده است. اگر برتری نظامی آذربایجان به ارمنستان به‌ویژه در حوزه نبرد هوایی را یکی از ویژگی‌های مهم منازعه قره‌باغ بدانیم، در برخورداری آذربایجان از سلاح‌هایی بوده که تل‌آویو در طول سال‌های اخیر در اختیار باکو قرار داده است. اینکه مقامات آذربایجانی از چگونگی استفاده از تسلیحات اسرائیلی در نبرد علیه ارمنستان فخر فروشی کرده و خودستایی می‌کنند، بی‌دلیل نیست آن‌ها باور دارند: «نیروهای آذربایجان وابستگی بسیاری به پهپادهایی دارند که از اسرائیل دریافت می‌کنند و مهندسان و سازندگان اسرائیلی که این پهپادها را طراحی و تولید کرده‌اند، شایسته قدردانی هستند (ravid,2020).

باکو، همچنین تعدادی پهپاد ترکیه‌ای بیرکتار تی بی ۲^۱ نیز خریداری کرده که ارزان‌تر و مؤثرتر هستند. این هواپیماهای بدون سرنشین می‌توانند به موشک‌های هوا به زمین نیز مجهز و برای شناسایی مواضع حریف به کار روند. داده‌ها با اطلاعاتی که این پهپاد تجسسی از ارتفاع بالاتر ثبت می‌کند، تکمیل می‌شود و پس از شناسایی موقعیت دقیق، به ارتش آذربایجان امکان می‌دهد سامانه‌های دفاع ضد هوایی ارمنستان را با کمک توپخانه یا راکت هدف قرار دهد (gressel,2020). در مقابل، ارمنستان نیز پهپادهای ۵۵X، هرش^۲ و کرانک^۳ ساخت خود را مورد استفاده قرار می‌دهد. اگر ارمنی‌ها هم به پهپادها و پهپادهای انتحاری دسترسی داشتند، شاید می‌توانستند مانع پیشروی آذری‌ها شوند. در عوض، آن‌ها سرمایه‌گذاری هنگفتی روی سیستم‌هایی که هیچ تأثیری در میدان نبرد نداشت کردند، مثلاً آن‌ها ۱۰۰ میلیون دلار را به خرید شش جت روسی اختصاص داده‌اند (dar,2020). که از نظر مخالفان دولت، مهمات و راکت‌های آن جنگنده‌ها نیز به ارتش ارمنستان فروخته نشده بود. خریداری پهپادهای انتحاری و پهپادهای مسلح به موشک‌های لیزری فوق پیشرفته از اسرائیل و ترکیه و همچنین استفاده از مستشاران آن دو کشور در جنگ ۴۴ روزه، موجب تقویت نظامی آذربایجان در برابر ارمنستان شده و ضمانتی برای پیروزی ارتش بوده‌اند.

تغییر جغرافیای درگیری (استفاده از دشت و مناطق جلگه‌ای جنوب قره‌باغ):

ارتفاعات، عمده‌ترین نقش را در عملیات نظامی ایفا می‌کند. هم به‌عنوان مانع بزرگ و طبیعی و هم عامل تقویت‌کننده در موقع جنگ. ارتفاعات دو جنبه تقویت‌کنندگی و بازدارندگی دارد: الف) جنبه تقویت‌کنندگی که دید و تیر، اختفاء و پوشش، کنترل معابر، کاهش اثرات بمباران شیمیایی و آفند و پدافند را شامل می‌شود. ب) جنبه بازدارندگی که عبارت است از تأثیر بر پروازهای بالگردها، برد دستگاه‌های مخابراتی و سلاح‌های تیر منحنی (غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۳۸).

شرایط جغرافیایی کوهستانی مناطق اشغالی و قرار داشتن بقیه نقاط جمهوری آذربایجان در تیررس نیروهای ارمنی از جمله دلایل مهم تردید و احتیاط جمهوری آذربایجان برای ورود مجدد به رویارویی نظامی با ارمنه در منطقه قره‌باغ طی دو دهه گذشته به شمار می‌رود. قره‌باغ در مناطق کوهستانی قرار دارد و این مسئله باعث شده تا اشراف کاملی به جلگه آذربایجان داشته باشد. این موقعیت، پتانسیل دفاعی جمهوری آذربایجان را تضعیف کرده و در مقابل حمله‌های دشمن که در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور قرار دارد، آسیب‌پذیر می‌کند. به همین دلیل در جریان جنگ‌های قبلی، نیروهای ارمنی قره‌باغ با به دست گرفتن بلندی‌های مشرف به دشت شیروان بر نواحی هموار و هم‌جوار شرق قره‌باغ و پیش کوه‌های دشت‌های غربی آذربایجان اشراف کامل داشته و تمام مناطق غربی جمهوری آذربایجان و راه‌های تدارکاتی جنوب - شمال و شرق - غرب در تیررس توپخانه آنان قرار داشت و همین مسئله نگرانی‌های امنیتی را برای جمهوری آذربایجان به دلیل مجاورت ژئوپلیتیک به ارمنان آورده است (امیر احمدیان، ۱۳۸۹: ۶۶).

در جنگ اخیر، استراتژی نظامی جمهوری ارمنستان ترکیبی از استراتژی پدافندی با استفاده از سامانه‌های دفاع موشکی

1 . Bayraktar TB2
2 . Hresh
3 . Krunk

اس ۴۰۰ برای مقابله با حملات هوایی، موشکی و پهپادی و نیز استراتژی آفندی با حملات موشکی به عمق خاک جمهوری آذربایجان و مناطقی مانند گنجه (دومین شهر بزرگ آذربایجان)، شبه‌جزیره آبشوران^۱ (از مناطق صنعتی در حومه باکو و دریای خزر)، شهر خیزی^۲ (۱۰۴ کیلومتری شمال باکو) و نیز شهر مینگچویر^۳ (۱۰۰ کیلومتر دورتر از منطقه قره‌باغ) بود تا با ایجاد فشار در عمق استراتژیک این کشور بتواند ارتش آذربایجان را در خطوط تماس قره‌باغ و نیز عمق این مناطق با مشکل مواجه کند و همچنین جمهوری آذربایجان را وادار به پاسخ متقابل موشکی به شهرهای ارمنستان (نه قره‌باغ) کند تا تفسیر ولادیمیر پوتین که اعلام کرده بود «هرگاه جنگ به خاک ارمنستان کشیده شد، روسیه به تعهدات خود عمل خواهد کرد»، محقق شود و با مداخله نظامی روسیه، روند تحولات جنگ به نفع ارمنستان در مقابل جمهوری آذربایجان برگردد؛ اما آنچه در عرصه واقعی و میدانی جنگ شش‌هفته‌ای قره‌باغ روی داد، شکست کامل استراتژی نظامی ارمنستان بود. (کوزه گر کالجی، الف، ۱۴۰۰)

جمهوری آذربایجان با آگاهی از برنامه و هدف ارمنستان از حملات متقابل موشکی به شهرهای ارمنستان خودداری کرد و برای جلوگیری از تمرکز نیروهای ارمنی، بدون ورود به بخش مرکزی (کوهستانی) قره‌باغ، جبهه وسیعی از شمال تا جنوب ایجاد کرد تا نیروهای ارمنی پخش شده و از تمرکز نیروهای آن‌ها جلوگیری کرد. با عمده حرکت ارتش آذربایجان به سمت محور جنوبی قره‌باغ از طریق سرزمین‌های دشت و جلگه این منطقه، شهرهای جبرائیلی، فضولی و زنگیلان را تصرف و به سمت منطقه کوهستانی و شهر استراتژیک شوشا^۴ پیشروی کرد و بدین ترتیب در ۱۱ کیلومتری خان کندی، منطقه اصلی قره‌باغ کوهستانی (آرتساخ) در معرض سقوط قرار گرفت. سقوط نظامی شوشا را می‌توان نقطه عطف جنگ اخیر قره‌باغ دانست. با آزادسازی شهر استراتژیک شوشا، کریدور عبور و مرور و مهم (لاچین-خانکندی-خوجالی) قطع شد. شوشا شهر و منطقه مهمی است که به‌نوعی کلید قره‌باغ محسوب می‌شود. آزادسازی شوشا از سوی ارتش جمهوری آذربایجان، موجب قطع ارتباط زمینی بین قره‌باغ و ارمنستان شد. پاشینیان در گفتگو با رسانه‌های ارمنستان صراحتاً به این موضوع اشاره می‌کند: «یک لحظه بود که فهمیدیم ادامه جنگ بی‌فایده است، ما خواستیم مسیر جنگ را تغییر دهیم ولی با سقوط شهر شوشا فهمیدیم که این امر ممکن نیست. اگر سند توافق آتش‌بس را امضا نمی‌کردم شهر استپاناکرت (خان کندی) سقوط می‌کرد و ۲۰ الی ۳۰ هزار سرباز ما در آنجا محاصره می‌شدند (PASHINIAN, 2020). با پس گرفتن این شهر توسط جمهوری آذربایجان، طرف ارمنی عملاً به این نتیجه رسید که راهی جز توافق با طرف آذری ندارد و به همین خاطر تصمیم گرفت که پیشنهاد آتش‌بس روسیه را بپذیرد.

تصمیم به قبول آتش‌بس برای جمهوری آذربایجان هم رضایت‌بخش بود؛ چراکه با اجرای این توافقنامه، ارمنستان، ملزم به خروج از دو منطقه باقیمانده از هفت منطقه‌ای است که آذربایجان نتوانسته بود در جنگ آن را آزاد کند. درحالی‌که با توجه به طولانی شدن زمان جنگ و خستگی نیروهای نظامی، صعب‌العبور بودن دو منطقه باقیمانده، فرارسیدن سرمای سخت و بارش‌های سنگین برف، عدم امکان پیشروی بیشتر و زمین‌گیر شدن نیروهای آذربایجان - که امکان ضربه‌پذیری از حملات چریکی طرف ارمنی را بالا می‌برد، قابل پیش‌بینی بود (دماوندی، ۱۳۹۹).

۲- خطای محاسباتی و رفتار سیاسی ارمنستان

نوع رویکرد نیکول پاشینیان به‌عنوان نخستین غیر قره‌باغی در رأس قدرت اجرایی ارمنستان نسبت به سیاست داخلی،

- 1 . Ganja
- 2 . Absheron
- 3 . Khizi
- 4 . Mingacevir
- 5 . Shusha

روابط منطقه‌ای و رویکردی که در قبال این مناقشه دیرپای قومی- سرزمینی داشت منجر به ناکامی نظامی و سیاسی ارمنستان و در نتیجه پذیرش آتش‌بس در نوامبر ۲۰۲۰ شد:

۱-۲- گرایش نخست‌وزیر ارمنستان به ایالات متحده آمریکا سبب شد که روابط ایروان با مسکو کمتر شود و به موازات آن توجه کمتری به مسائل پیرامونی در ارمنستان داشته باشد. به واسطه همین برداشت غلط نخست‌وزیر ارمنستان بود که وی این تلقی را داشت که در سایه حمایت ایالات متحده آمریکا می‌تواند باکو را از انجام اقداماتی در مناقشه قره‌باغ بازدارد و در نهایت با مذاکره بتواند این مناقشه را به پایان برساند؛ اما نهایتاً با عدم حمایت کاخ سفید از آقای پاشینیان، وی مجبور به امضای توافق صلحی با جمهوری آذربایجان شد که تبعات بسیار سختی برای وی به همراه داشت (سقائیان، ۱۳۹۹).

۲-۲- ارمنستان در مواجهه با آذربایجان و تهدید ایروان مبنی بر ضمیمه کردن ناگورنو-قره‌باغ به خاک خود، بر این باور بود که روسیه یا سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه، همچون جنگ‌های قبلی، در صورت بروز درگیری به کمک ارمنستان خواهند آمد؛ اما ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به وضوح اعلان کرد که نه نیروهای ملی‌اش و نه سازمان پیمان امنیت جمعی، در صورت حمله (نامحتمل) آذربایجان به قلمرو حاکمیت ارمنستان، اقدامی نخواهند کرد. این امر باعث منتفی شدن کمک سازمان پیمان امنیت جمعی به ارمنستان در رویارویی با آذربایجان شد. تفسیر ولادیمیر پوتین از پیمان‌های دوجانبه نظامی ارمنستان و روسیه و نیز عضویت ارمنستان در پیمان امنیت دسته‌جمعی و طرح این موضوع که «هر زمان جنگ به داخل خاک ارمنستان کشیده شد، روسیه به تعهدات خود عمل خواهد کرد»، عملاً چراغ سبزی به باکو بود که تا زمان تمرکز جنگ بر قره‌باغ، روسیه مداخله نخواهد کرد و همین امر باعث پیشروی سریع ارتش جمهوری آذربایجان در جنگ اخیر قره‌باغ شد که به آزادسازی نظامی و سیاسی هفت منطقه پیرامون قره‌باغ منجر شد. از نظر مخالفان دولت ارمنستان، اتخاذ چنین رویکردی از سوی دولت روسیه، نتیجه حرکت بدون پشتوانه پاشینیان به سمت غرب و پیمان ناتو، رویارویی‌های پاشینیان با ولادیمیر پوتین در موضوع بازداشت و محاکمه روبرت کوچاریان و بازداشت و محاکمه یوری خاچاپوروف (دبیر کل ارمنی سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی) بود که موجب شد روسیه برخلاف جنگ‌های گذشته قره‌باغ، زود هنگام به نفع ارمنستان و آتش‌بس ورود پیدا نکند و هیچ‌کدام از دو پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان (اربونی^۱ در ایروان و گیومری^۲) واکنشی در حمایت از ارمنستان نشان ندهد. مخالفان پاشینیان این نکته را نیز مطرح می‌کنند که وقتی یوری خاچاپوروف، دبیر کل ارمنی سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به مدت چند ماه به اتهام نقش او در سرکوب اعتراضات مارس ۲۰۰۸ (اعتراض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری) بازداشت و محاکمه می‌شود و تنش چندماهه‌ای بین ارمنستان و روسیه درمی‌گیرد، چگونه دولت پاشینیان انتظار دارد که در زمان جنگ قره‌باغ، سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به حمایت از ارمنستان وارد عمل شود؟ بنابراین، تخریب و تضعیف روابط راهبردی ارمنستان و روسیه در دو سال گذشته یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر ناکامی نظامی و سیاسی ارمنستان در جنگ اخیر قره‌باغ است (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۹).

۳-۲- بی‌تجربگی سیاسی، عدم ارزیابی دقیق محیطی، اطلاعاتی و امنیتی از سوی دولت نیکول پاشینیان و نیز برکناری فرماندهان نظامی با سابقه و تغییر رؤسای سرویس امنیت ملی (gurkan aba, 2020)، موجب شد دولت او ارزیابی جامع و واقع‌بینانه از وقوع یک جنگ فزاینده در قره‌باغ نداشته باشد. وقوع جنگ چهارروزه در منطقه تاووش در شمال شرقی ارمنستان (منطقه طاووس در شمال غربی جمهوری آذربایجان) در جولای ۲۰۲۰، این باور را در دولت پاشینیان ایجاد و حتی تقویت نمود که جنگ‌های بعدی نیز در قره‌باغ، همانند جنگ چهارروزه آوریل ۲۰۱۶ و چهارروزه جولای ۲۰۲۰ کوتاه خواهد بود و جمهوری آذربایجان همانند گذشته قادر به تغییر معادله «نه جنگ، نه صلح» در قره‌باغ نخواهد بود.

1 . Erebuni

2 . Gyumri

۲-۴- در فاصله بین دو جنگ چهارروزه جولای ۲۰۲۰ و جنگ ۴۴ روزه اخیر در قره‌باغ که از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد، مانورهای مشترک نظامی جمهوری آذربایجان و ترکیه در باکو و نخجوان در اوت ۲۰۲۰ برگزار شد. گزارش سایت کومرسانت^۱ گویای آن است که پس از مانور مشترک نظامی ترکیه و آذربایجان تعداد قابل توجهی از نظامیان ترکیه جهت هماهنگی، برنامه‌ریزی و اجرای عملیات تهاجمی علیه قره‌باغ در آذربایجان ماندند. (کوزه گر کالجی، الف، ۱۴۰۰)

بسیاری از کارشناسان نظامی و نیز منتقدان و مخالفان داخلی نیکول پاشینیان معتقد هستند که مانور مشترک ترکیه و جمهوری آذربایجان، در عمل، پوششی برای انتقال تجهیزات و نیروی نظامی از ترکیه به داخل خاک جمهوری آذربایجان بوده و سیستم اطلاعاتی، امنیتی و نظامی ارمنستان نتوانسته میزان و عمق چنین تهدید فراگیری را شناسایی کند.

۲-۵- مقابله توأمان با مفاسد اقتصادی و پرونده‌های سیاسی و امنیتی توسط دولت نیکول پاشینیان موجب شد این تصور در بخش مهمی از افکار عمومی جامعه ارمنستان و نیز خارج از این کشور شکل گیرد که هدف اصلی از کمپین مقابله با فساد، حذف مخالفان سیاسی و تسویه حساب‌های سیاسی گذشته است. بازداشت و محاکمه چهره‌های شاخص سیاسی و نظامی جنگ اول قره‌باغ از جمله روبرت کوچاریان، سرژ سارگسیان، ژنرال مانوئل گریگوریان و ژنرال ویتالی بالاسانیان و نیز اختلافات پاشینیان با باکو ساهاکیان و آرکادی قوکاسیان (روسای جمهور سابق قره‌باغ) به دلیل حمایت این دو از روبرت کوچاریان موجب شکاف بین ارمنستان و قره‌باغ شد (CUTLER, 2020). برخلاف وحدت و انسجامی که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ در جامعه ارمنستان و نیز منطقه قره‌باغ در مقابله با جمهوری آذربایجان وجود داشت، این اختلافات شرایط مناسبی را در اختیار جمهوری آذربایجان برای بهره‌برداری نظامی و شکست نظامی ارمنه در جنگ اخیر قره‌باغ قرار داد.

۲-۶- ناتوانی در تجهیز ارتش و تقویت سامانه‌های دفاع هوایی و ضد موشکی و برکناری فرماندهان باسابقه نظامی موجب شد که دولت و ارتش این کشور از توانایی روزافزون سیستم موشکی و پهپادی جمهوری آذربایجان غافل شوند. از این رو از دیدگاه مخالفان پاشینیان، عدم تقویت و تجهیز سامانه‌های دفاع هوایی و ضد موشکی به‌ویژه ناتوانی در مقابله با پهپادهای ارتش جمهوری آذربایجان، نقش مهمی در شکست نظامی ارمنه در جنگ اخیر قره‌باغ ایفا کرد. چنانچه روبرت کوچاریان نیز در بخشی از انتقادات خود به این موضوع اشاره می‌کند: «به‌جای سامانه موشکی تور^۲ اقدام به خرید جنگنده سوخو^۳ کردند تا در رژه‌های نظامی آن را نمایش دهند اما این جنگنده‌ها در طول جنگ حتی یک پرواز هم انجام ندادند زیرا مهمات و راکت‌های آن به ما فروخته نشده بود (PASHINIAN, 2020).

۳- عدم توازن ژئوپلیتیکی

وزن ژئوپلیتیکی^۴ عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. مجموعه‌ای از استعدادها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های یک کشور که باهدف اعمال و تحمیل اراده ملی و به دست آوردن اهداف ملی به کار گرفته می‌شود و نیز توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و کشور برای استفاده از آن در جهت تحصیل منافع و اهداف ملی را قدرت ملی گویند. توازن ژئوپلیتیکی عبارت است از برابری نسبی وزن ژئوپلیتیکی و عناصر قدرت یک واحد سیاسی-فضایی با رقبای آن. از آنجایی که وزن ژئوپلیتیکی زیربنای قدرت ملی و جمعی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین موازنه ژئوپلیتیکی نیز موازنه قدرت را به همراه دارد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

از بین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در تصمیم جمهوری ارمنستان و آذربایجان به پذیرفتن آتش‌بس، عوامل سرزمینی (وسعت)، عوامل اجتماعی (جمعیت) و به‌ویژه عوامل نظامی و اقتصادی بیشترین نقش را داشته است. آذربایجان در دو عامل جمعیت

- 1 . Kommersant
- 2 . Tor
- 3 . Sukho
- 4 . Geopolitical weight

و وسعت بر ارمنستان برتری دارد. آذربایجان با سرزمینی به مساحت ۸۶/۱۰۰ کیلومترمربع بیش از سه برابر ارمنستان (۲۸/۴۵۸ کیلومترمربع) وسعت دارد. ارتش آذربایجان به دلیل وسعت سرزمینی بیشتر، برای جلوگیری از وحدت نیروهای ارمنی از شمال کوهستانی قره‌باغ تا جنوب جلگه‌ای آن چند جبهه وسیع ایجاد تا نیروهای ارمنی در چند محور پخش شده و از تمرکز آن‌ها جلوگیری شود (کوزه‌گر کالجی، ب ۱۳۹۹). جمهوری آذربایجان با ۹/۵۹ میلیون نفر بیش از سه برابر ارمنستان (۲/۹۷ میلیون نفر) جمعیت دارد.

نگاهی اجمالی به جدول شماره (۲)، نقش مؤثر جمعیت در تأمین نیروی انسانی حرفه‌ای شاغل در ارتش دو کشور را نشان می‌دهد (<https://www.globalfirepower.com>). علاوه بر این، مهاجرت مردم ارمنستان در سال‌های اخیر افزایش و جمعیت این کشور کاهش یافته است. کمبود نیروی حرفه‌ای در ارتش به‌گونه‌ای است که نیکول پاشینیان در طول درگیری‌ها از نیروهای احتیاط و حتی زنان این کشور درخواست کرد که عازم جبهه‌ها شوند (سلیمانی، ۱۳۹۹).

سهم بسیار زیادی از درآمد ملی جمهوری آذربایجان به منابع عظیم گاز و نفت وابسته است. تولید ناخالص داخلی ارمنستان حدود ۷ برابر کمتر از جمهوری آذربایجان است و با رشد قابل توجه اقتصادی ناشی از درآمدهای نفتی، ضمن توسعه اقتصادی و اجتماعی و عمران شهری، این امکان را برای رژیم علی‌اف فراهم آورده تا هزینه‌های دفاعی خود را افزایش داده، از نظر کمی و کیفی قدرت نظامی خود را تقویت و نیز زمینه را برای یک درگیری بزرگ آماده تا بتواند قره‌باغ را پس گیرد.

جدول شماره ۱. مقایسه وضعیت اقتصادی جمهوری آذربایجان و ارمنستان

وضعیت اقتصادی	آذربایجان	ارمنستان
درآمد سالیانه	۲۲ میلیارد لار	۲/۳۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص داخلی	۶۸/۳۷	۹/۹۱
صادرات	۳۲/۶۳	۱/۵۹
تولید نفت	۹۳۱/۹۰۰ بشکه در روز	۰

منبع: <https://www.nationmaster.com>

اما آرامنه با تسلیحات دو دهه قبل از خود دفاع می‌کردند، آن‌ها پس از امضای توافق آتش‌بس سال ۱۹۹۴ تاکنون فرصتی ۲۶ ساله داشتند تا به خودکفایی و خرید تسلیحات نظامی مدرن بپردازند که داده‌های جدول زیر بیانگر عدم اتخاذ تصمیماتی در این خصوص بوده و یا بسیار ناچیز صورت گرفته است.

جدول شماره ۲. مقایسه وضعیت نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان

وضعیت نظامی	آذربایجان	ارمنستان
رده‌بندی در سطح جهان	۶۴	۱۱۱
بودجه دفاعی	۲/۸ میلیارد دلار	۱/۳ میلیارد دلار
نیروی انسانی	۱۲۶ هزار نفر (حرفه‌ای)	۴۵ هزار نفر (حرفه‌ای)
هواییمای جنگنده	۱۷	۹
هواییمای باربری نظامی	۱۲	۳
هواییمای آموزشی نظامی	۲۹	۱۳
بالگرد	۸۸	۳۷
بالگرد تهاجمی	۱۷	۲۰
تانک	۵۷۰	۱۱۰
زره‌پوش	۱۴۵۱	۷۴۸
توپ‌های خود کششی	۱۸۷	۳۸

توپخانه	۲۲۷	۱۵۰
موشک‌انداز	۱۶۲	۸۶
کشتی جنگی	۳۱	۰
زیردریایی	۴	۰
کشتی گشت زنی	۱۳	۰
مین‌روب	۷	۰

منبع: (www.globalfirepower.com)

با احتساب هزینه نظامی و رشد اقتصادی دو کشور، معادله قدرت به نفع جمهوری آذربایجان در منطقه شکل گرفت. عدم توازن در عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی (نظامی، سرزمینی و اقتصادی) در جنگ قره‌باغ باعث کسب برتری نسبی آذربایجان و احساس شکست‌های بیشتر در صورت نپذیرفتن شرایط آتش‌بس در طرف ارمنی بود؛ به‌گونه‌ای که منابع نظامی و ارتش ارمنستان دیگر کارایی و تأثیر کامل را نداشتند و ارتش ارمنستان به پذیرش آتش‌بس اصرار می‌کرد (www.reuters.com).

۴- مداخله روسیه

پس از فروپاشی شوروی، پیوندهای امنیتی روسیه و ارمنستان بسیار قوی‌تر از پیوندهای امنیتی این کشور با آذربایجان بوده است. از آنجایی که آذربایجان همراه گرجستان وارد جامعه کشورهای مستقل همسود شده بود و همچنین چراغ سبزی‌هایی که این کشور از زمان استقلال به آمریکا داده بود؛ باعث شد تا روسیه در جنگ قبلی قره‌باغ با دادن سلاح و اعزام کارشناسان نظامی خود به نفع ارمنستان اقدام کند (قنبر لو، ۱۳۸۹: ۶). روسیه تداوم وضع موجود را به نفع خود می‌داند و تلاش دارد از مسئله قره‌باغ به‌عنوان اهرمی در جهت نفوذ و تسلط بیشتر بر مسائل کشور خود بهره‌برد و موازنه‌ای را در سیاست‌های خود، بین دو کشور ایجاد کند. به همین علت است که هر از چند گاهی به یکی از دو کشور تمایل پیدا می‌کند و گاهی اوقات برای برگشتن تنشج و ناآرامی در روابط بین دو کشور تلاش می‌کند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۷).

مفاد مندرج در توافق آتش‌بس قره‌باغ نشان می‌دهد که محور اصلی این توافقنامه روسیه بوده و مسکو همان‌گونه که می‌خواست، این منازعه را حل و فصل کرد. بر اساس بندهای این توافق حدود دو هزار نفر از نیروهای نظامی روسیه با ادوات نظامی وارد پنج کیلومتری حاشیه لاپین خواهند شد و نقش نیروهای حافظ صلح را در آنجا بازی خواهند کرد (https://www.crisisgroup.org).

جمهوری آذربایجان برخلاف بسیاری از کشورهای استقلال‌یافته از شوروی، در طول سالیان اخیر ضمن حفظ استقلال و فاصله از روسیه و نزدیکی بیشتر به غرب، هیچ‌گاه به‌طور رسمی رویکرد دشمنی و ضد روسی را اتخاذ نکرده و همیشه مثالی بوده است برای اینکه چگونه می‌توان سیاست خارجی کاملاً مستقل از روسیه را دنبال و درعین حال مناسبات با مسکو را در سطح خوبی حفظ کرد. در کنار این تنوع‌بخشی در حوزه سیاست خارجی، باکو، طبق آمار مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم، بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ حدود ۲۴ میلیارد دلار برای سلاح و مهمات هزینه کرده که بسیاری از آن‌ها را از روسیه خریداری کرده که این امر منجر به زیر سؤال رفتن اتحاد دفاعی‌اش با ارمنستان شده است.

مؤلفه بسیار مهم و حائز اهمیت در این رویارویی، عدم دخالت روسیه به نفع ارمنستان که عامل مؤثری در پیشروی‌های ارتش آذربایجان محسوب می‌شود. بر اساس پیمان دفاعی روسیه با ارمنستان، روسیه متعهد به محافظت از این کشور است. ولادیمیر پوتین درخواست پاشینیان برای اجرای قرارداد دوجانبه و پیمان امنیت دسته‌جمعی بین مسکو و ایروان را رد و

1 . Commonwealth of independent state(cis)

2 . Sipri

اعلام کرد ارتش جمهوری آذربایجان وارد اراضی خودش شده، نه ارمنستان (سلیمانی، ۱۳۹۹).

روسیه که پایگاه نظامی بزرگی در ارمنستان دارد، از نزدیک شدن نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور به آمریکا و اروپا ناخرسند بود و برای تعدیل یا توقف رویکردهای یورو-آتلانتیکی دولت نیکول پاشینیان، ارمنستان را تحت فشار قرار داده بود. روسیه با ادامه جنگ می‌خواست جناح غرب‌گرای ارمنستان را تنبیه و مجازات کند. شروع جنگی فراگیر توسط آذربایجان با رضایت و پذیرش ضمنی روسیه (kirisci&ozkan,2020) و با حمایت سیاسی و نظامی همه‌جانبه دولت و ارتش ترکیه از جمهوری آذربایجان، سبب شد بسیاری از مناطق در اشغال ارمنستان آزاد شود. روسیه منتظر ماند تا حمله آذربایجان به اوج خود برسد سپس مداخله کرد تا توافقی را تحمیل کند که نیروهای ویژه خودش ضامن اجرای آن باشند. ولی اطمینان داشت در شرایط اضطراری، فقط مسکو می‌تواند امنیت ارمنستان را تأمین کند و ایروان را دوباره و ناگزیر به مسکو نزدیک خواهد ساخت که این امر در راستای منافع بلندمدت و راهبردی روسیه در قفقاز جنوبی خواهد بود. اگر روند جنگ قره‌باغ به همان صورت پیش می‌رفت، طی چند روز، خان کندی، مرکز قره‌باغ هم به کنترل جمهوری آذربایجان درمی‌آمد؛ اما روسیه نمی‌توانست اجازه بدهد مسئله قره‌باغ که امکان کنترل منطقه قفقاز جنوبی را برای مسکو فراهم می‌کند، به‌زودی به پایان خود برسد. به همین خاطر، روسیه با ایجاد آتش‌بس، عملاً قره‌باغ را هم از سیطره ارمنستان و هم آذربایجان نجات داد و برای این‌که غائله به نفع فقط آذربایجان و ترکیه تمام نشود اگرچه از ارمنستان حمایت نکرد اما اجازه نداد که تمام قره‌باغ به باکو تعلق پیدا کند. (کوزه گر کالجی، ب، ۱۴۰۰).

پوتین با تفسیری که معاهده امنیت دسته‌جمعی ارائه کرد، عملاً چراغ سبزی به باکو نشان داد تا وقتی جنگ در قره‌باغ و هفت شهر اشغالی پیرامون آن ادامه دارد، روسیه در این جنگ مداخله‌ای انجام نخواهد داد (کوزه گر کالجی، ب ۱۳۹۹) روس‌ها می‌خواهند همچنان مدیریت مناسبات و معادلات در قفقاز در دست خودشان باشد و برنده اصلی مناقشه اخیر هم آن‌ها بودند. مدت توافق آتش‌بس پنج‌ساله به معنای آن است که تا پنج سال آینده، چنانچه هرکدام از طرف‌های درگیر برخلاف منافع مسکو عمل کند، شرایط ممکن است به ضرر او تغییر کند.

نتیجه‌گیری

پس از اشغال اراضی آذربایجان توسط ارمنستان، در طول ۲۸ سال گذشته، مذاکرات متعدد برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ، به نتیجه نرسید. با تشدید درگیری‌ها و فراوانی تلفات و خسارت‌ها در سپتامبر ۲۰۲۰، دو کشور آذربایجان و ارمنستان برای دستیابی به یک راه‌حل جامع تصمیم گرفتند جنگ را متوقف و در تاریخ ۲۰ نوامبر، توافق آتش‌بس را بپذیرند.

با الگو گرفتن از رویکرد تصمیم‌گیری (مدل رضایت‌بخش) و با در نظر گرفتن مفاد آتش‌بس، عواملی همچون تغییر جغرافیای درگیری و تاکتیک نظامی، خطای محاسباتی ارمنستان، نبود توازن ژئوپلیتیکی و مداخله روسیه به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر ایجاد آتش‌بس در قره‌باغ، شناسایی و تبیین شدند.

دولت آذربایجان برای جبران ضعف خود در تسلط بر مناطق کوهستانی و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، با به‌کارگیری تاکتیک نظامی جدید، جغرافیای درگیری را تغییر داد. با حرکت محور جنوبی ارتش به سمت مناطق جلگه‌ای و دشت جنوب قره‌باغ و با استفاده گسترده از پهپادهای پیشرفته، تعداد زیادی از مناطق آذربایجان از اشغال نیروهای ارمنی آزاد شد و طرف ارمنی عملاً به این نتیجه رسید که راهی جز توافق با طرف آذری ندارد. برای جمهوری آذربایجان هم رضایت‌بخش بود؛ چراکه با توجه به طولانی شدن زمان جنگ، مشکلات جدی را برای ارتش خود فراهم می‌کرد. مهم‌تر اینکه با اجرای این توافقنامه، ارمنستان ملزم به خروج از دو منطقه باقیمانده از هفت منطقه‌ای است که آذربایجان نتوانسته بود در جنگ آن را آزاد کند.

تضعیف روابط راهبردی ارمنستان و روسیه در دو سال گذشته و گرایش نخست‌وزیر ارمنستان به ایالات‌متحده آمریکا و انتظار مداخله و پشتیبانی این کشور در مناقشه قره‌باغ، سبب شد که روابط ایروان با مسکو تضعیف شود و سرانجام با عدم حمایت کاخ سفید از آقای پاشینیان وی مجبور به امضای توافق صلحی با جمهوری آذربایجان شد که تبعات بسیار سختی برای وی به همراه داشت. ارمنستان بر این باور بود که سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه، به کمک ارمنستان خواهد آمد؛ اما تفسیر ولادیمیر پوتین از پیمان امنیت دست جمعی، عملاً چراغ سبزی به باکو برای پیشروی سریع ارتش آذربایجان در جنگ اخیر قره‌باغ شد. بی‌تجربگی سیاسی، عدم ارزیابی دقیق محیطی، اطلاعاتی و امنیتی از سوی دولت نیکول پاشینیان و نیز برکناری فرماندهان نظامی باسابقه و تغییر روسای سرویس امنیت ملی، موجب شد که دولت و ارتش این کشور از توانایی روزافزون سیستم پهبادی جمهوری آذربایجان غافل شود و ارزیابی جامع و واقع‌بینانه از وقوع یک جنگ فراگیر در قره‌باغ را نداشته نباشند. بازداشت و محاکمه چهره‌های شاخص سیاسی و نظامی باهدف مقابله توأمان با فساد اقتصادی و سیاسی، وحدت و انسجام ملی این کشور را از هم گسیخت. این اختلافات، شرایطی مناسب جهت بهره‌برداری نظامی برای آذربایجان و پذیرفتن آتش‌بس برای ارمنستان به همراه داشت.

از بین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در تصمیم جمهوری ارمنستان و آذربایجان به پذیرفتن آتش‌بس، عوامل سرزمینی (وسعت)، عوامل اجتماعی (جمعیت) و به‌ویژه عوامل نظامی و اقتصادی بیشترین نقش را داشته است. عدم توازن در عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی (نظامی، سرزمینی و اقتصادی) در جنگ قره‌باغ باعث کسب برتری نسبی آذربایجان و احساس شکست‌های بیشتر در صورت نپذیرفتن شرایط آتش‌بس در طرف ارمنی بود.

ناخرسندی روسیه از دولت ارمنستان باعث شد حمله آذربایجان با رضایت و پذیرش ضمنی روسیه انجام شود. روسیه با ادامه جنگ می‌خواست جناح غرب‌گرای ارمنستان را تنبیه کند و منتظر ماند تا حمله آذربایجان به اوج خود برسد، سپس مداخله کرد تا توافقی را تحمیل کند که نیروهای ویژه خودش ضامن اجرای آن باشند. روسیه با ایجاد آتش‌بس، عملاً قره‌باغ را هم از سیطره ارمنستان و هم آذربایجان نجات داد و برای این‌که غائله فقط به نفع آذربایجان تمام نشود، اگرچه از ارمنستان حمایت نکرد؛ اما اجازه نداد که تمام قره‌باغ به باکو ملحق شود.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل درگیری‌ها بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان، منطقه قره‌باغ است. از یک طرف، جمهوری آذربایجان با تمسک به اصل تمامیت ارضی، بر تعلق قره‌باغ به این کشور تأکید دارد؛ از طرف دیگر، ارمنستان هم می‌خواهد با توجه به اکثریت ارمنی قره‌باغ، این منطقه یا به ارمنستان پیوسته شده یا مستقل شود. با این حال، در توافق مذکور فقط مقرّر شده سرزمین‌های اشغالی آزاد شوند و چالش اصلی، منطقه قره‌باغ است که پیش‌بینی و تفاهمی به‌صراحت در خصوص تعیین تکلیف آن نشده و می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های بعدی باشد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) امیر احمدیان بهرام، ۱۳۸۹، سیاست و امنیت در قفقاز، گردآورنده: ولی کوزه‌گر کالجی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۲) حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۹۰، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳) دماوندی، محمدرضا، ۱۳۹۹، موضع روسیه در قره‌باغ؛ یک تیر و هفت نشان، ۱۳۹۹/۸/۲۴.
- ۴) دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، ۱۳۸۸، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ

پنجم. تهران: انتشارات قومس.

(۵) ذکی، یاشار و پاشالو، احد، ۱۳۹۶، عملکرد میانجیگری جمهوری اسلامی ایران در بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ، فصلنامه جغرافیا، ۱۵(۵۳)، ۱۳۳-۱۵۰.

(۶) سقاییان، علی، ۱۳۹۹، آیا صلح قره‌باغ پایدار خواهد بود؟ ۱۳۹۹/۸/۲۷ قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/doc/note/4168>

(۷) سلیمانی، افشار، ۱۳۹۹، مرحله‌ای نوین در روند مناقشه قره‌باغ اشغالی، ۲۸/۱۰/۲۰۲۰ قابل دسترسی در:

<https://www.aa.com.tr/fa/2021816>

(۸) سلیمانی، غلامعلی، ۱۳۹۰، نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از گونه‌های تعدیل‌شده الگوی عقلانی تا مدل‌های جایگزین. فصلنامه سیاست خارجی، ۲، ۳۶۰-۲۹۲.

(۹) سیف زاده، حسین، ۱۳۸۵، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، چاپ پنجم. تهران: انتشارات میزان.

(۱۰) سیف زاده، حسین، ۱۳۹۰، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، چاپ هفتم. تهران: انتشارات میزان.

(۱۱) عباس پور، عباس، ۱۳۸۲، شأن تصمیم‌گیری در مدیریت: در جستجوی درک مدل‌ها و پارادایم‌های تصمیم‌گیری سازمانی، فصلنامه مدیریت، ۲ و ۳، ۱۲-۱.

(۱۲) غفاری، امید، ویسی نژاد، امید علی و تقی پور، محمد، ۱۳۹۱، مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه امنیت پژوهی، ۱۱ (۳۹)، ۱۱۲-۹۱.

(۱۳) غلامعلیان، امیر، ۱۳۸۹، کاربرد جغرافیای نظامی در طرح‌ریزی‌های عملیاتی، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۷(۱۸)، ۵۰-۳۳.

(۱۴) قنبرلو، عبدالله، ۱۳۸۹، بحران قره‌باغ و بازی قدرت‌های خارجی در آن. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

(۱۵) قنبر لو، عبدالله، ۱۳۹۲، بنیادهای اقتصادی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، پژوهش‌نامه دفاع مقدس، ۵(۵)، ۱۲-۱.

(۱۶) قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۰، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات سمت.

(۱۷) کاظمی، احمد، ۱۳۸۴، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

(۱۸) کوزه‌گر کالجی، ولی، ۱۳۹۹، الف، تأملی بر مخالفت‌های داخلی با توافقنامه آتش‌بس قره‌باغ در جمهوری ارمنستان، ۱۳۹۹/۹/۲۵ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/4226>

(۱۹) کوزه‌گر کالجی، ولی، ۱۳۹۹، ب، تأملی بر مخالفت‌های داخلی با توافقنامه آتش‌بس قره‌باغ در جمهوری آذربایجان، ۱۳۹۹/۹/۲۱ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/4212>

20) Abbaspour, A., 2003, The dignity of decision Making in Management: In Search of Understanding Organizational Decision Making Models and Paradigms, Management Quarterly, 2 and 3. [in Persian]

21) Amira Ahmadian, B., 2010, Politics and Security in the Caucasus, Compiled by: Vali Koozegar College, published by the Strategic Research Center. [in Persian]

22) Armenian PM and ex-president accuse each other of 'diplomatic fiasco'. available at: <https://jam-news.net.Yerevan.december 05,2020>.

23) Armenian PM says he signed ceasefire deal on army's insistence. available at: www.reuters.com. november 10, 2020

24) Compare key data on Armenia & Azerbaijan available at: <https://www.nationmaster.com/country-info/compare/Armenia/Azerbaijan2020>

25) Comparable Powers 2020 available at: <https://www.globalfirepower.com>.

26) CUTLER, R, M, 2020, Without Russian Aid to Armenia, Azerbaijan Has the Upper Hand in Nagorno-Karabakh. available at: <https://foreignpolicy.com. october 9,2020>

27) Damavandi, M. R., 2020, Russia's position in Nagorno-Karabakh; One arrow and seven badges. november 14, 2020, available at: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/4168>.

28) dar, y., 2020, Why Chinese Drones Instead of Russian Su-30 Jets Could Have Helped Armenia Beat Azerbaijan In Karabakh War? available at: <https://eurasiatimes.com. november 17 2020>

29) Doherty, J. & Faltzgraf, R., 2009, Conflicting Theories in International Relations, translated by Alireza Tayeb and Vahid Bozorgi, fifth edition, Tehran: Qomes Publications. [in Persian]

30) Getting from Ceasefire to Peace in Nagorno-Karabakh, available at:

- <https://www.crisisgroup.org>. november 10, 2020
- 31) Ghaffari, O., Veisinejad, O. A., & Taghipour, M. ,2012, The Nagorno-Karabakh conflict and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Security Studies, 11(39), 112-91. [in Persian].
 - 32) Ghanbarloo, A. ,2010, The Nagorno-Karabakh Crisis and the Game of Foreign Powers in it. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [in Persian].
 - 33) Ghanbarloo, A., 2013, Economic Foundations Adoption of Resolution 598 by Iran. Holy Defense Research Journal, 2(5) 1-12. [in Persian].
 - 34) Ghavam, A A, 2001, Principles of Foreign Policy and International Policy, Fifteenth Edition, Samt Publications. [in Persian]
 - 35) Gholam-Alian, A. ,2010, The usage of military geography in operational planning. Journal of Military Science and Technology, 7(18), 50-33. [in Persian]
 - 36) Gressel, g. ,2020, Military lessons from Nagorno-Karabakh: Reason for Europe to worry. available at:<https://www.ecfr.eu/article>. november 24, 2020
 - 37) Gurkan aba, E. ,2020, Armenia dismisses head of national security service. available at:<https://www.aa.com.tr/en/politics/1999857>. november 8, 2020
 - 38) Hafeznia, M R, 2011, Principles and Concepts of Geopolitics, Third Edition, Astan Quds Razavi Publications, Mashhad. [in Persian]
 - 39) Kazemi, A. ,2005, Security in the South Caucasus, Tehran: Publications of the Abrar International Institute for Contemporary Cultural Studies and Research. [in Persian].
 - 40) Kirisci, k., & Ozkan, b. ,2020, After Russia's Nagorno-Karabakh ceasefire, could Turkey step up next for a lasting peace? available at:<https://www.brookings.edu>. november 18, 2020
 - 41) koozegar kaleji, V. ,2020 B, contemplation on Internal Opposition to the Nagorno-Karabakh Ceasefire Agreement in the Republic of Azerbaijan, november 11,2020.Available at: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/4212>
 - 42) koozegar kaleji, V. ,2020 A, contemplation on Internal Opposition to the Nagorno-Karabakh Ceasefire Agreement in the Republic of Armenia, december 15,2020.Available at: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/4226>.
 - 43) Lyall, j. ,2020, Drones Are Destabilizing Global Politics Simple Vehicles Make Conflict Tempting and Cheap. available at: <https://www.foreignaffairs.com>.december 16, 2020
 - 44) nagorno karabakh control map and timeline:artsakh withdrawals.available at: <https://www.polgeonow.com>. december 1, 2020
 - 45) Pashinian: After the fall of Shusha, we came to the conclusion that resistance is useless. available at: <https://www.newsi.icu/newsbeat/news-i-agency>. november 20 ,2020
 - 46) Ravid, B. ,2020, Azerbaijan using Israeli "kamikaze drones" in Nagorno-Karabakh clashes. available at: <https://www.axios.com>. september 30, 2020
 - 47) Saghaeian, A. ,2020, will the peace of Nagorno-Karabakh be lasting?.Available at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1997263>.november 17,2020
 - 48) Seifzadeh, H. ,2006, Principles of International Relations (A & B) Fifth Edition, Mizan Publications. [in Persian].
 - 49) Seifzadeh, H. ,2011, Principles of International Relations (A & B), seventh edition, Mizan Publications. [in Persian].
 - 50) Soleimani, Gh-A. ,2011, Critique of the rational model of foreign policy decision-making from modified forms of the rational model to alternative models. Foreign Policy Quarterly, 2, 360-260. [in Persian]
 - 51) Zaki, Y., & Pashaloo, A. ,2017, The Mediation Performance of the Islamic Republic of Iran in the Geopolitical Crisis of karabakh. Geography Quarterly, 15(53), 150-133. [in Persian].